

به نام پروردگار یکتا

هماهنگی آوا و مضمون

در غزل خواجهی کرمانی، سلمان ساوجی و حافظ شیرازی

دکتر طاهره ایشانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم خان زند، بین قرن ۱ و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۸۳۱۷۱۹۲

همانگی آوا و مضمون

در غزل خواجوی کرمانی، سلمان ساوجی و حافظ شیرازی

مؤلف: دکتر طاهره ایشانی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: گام اول

قیمت: ۴۰،۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: ایشانی، طاهره، ۱۳۵۱-

عنوان و نام پدیدآور: همانگی آوا و مضمون در غزل خواجوی کرمانی، سلمان ساوجی و حافظ شیرازی/طاهره ایشانی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۷۹ ص:، جدول: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: 978-622-7689-21-1

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: خواجوی کرمانی، محمودبن علی، ۶۸۹ - ۷۵۳ ق. -- نقد و تفسیر

موضوع: سلمان ساوجی، سلمان بن محمد، ۷۷۸ق. -- نقد و تفسیر

موضوع: حافظ، شمس‌الدین محمد، ۷۹۲ق -- نقد و تفسیر

موضوع: Hafiz, Shamsoddin Mohamad, 14th Century -- Criticism and interpretation

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ق. -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian poetry -- 14th century -- History and criticism

موضوع: موسیقی و ادبیات، موضوع: Music and literature

موضوع: شعر فارسی -- مضمون‌های مشترک

موضوع: Persian poetry -- *Common themes

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: PIR۵۲۵۹

رده بندی دیویی: ۸۶۱/۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۳۴۳۷۳

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

فهرست مطالب

۹	درآمد
	فصل اول: غزل و موسیقی
۱۷	غزل فارسی
۲۱	موسیقی شعر
۲۸	نظریه موسیقی گرامون
۳۲	اشاره‌ای مختصر به زندگی سلمان، خواجه و حافظ
	فصل دوم: تحلیل و بررسی غزل‌های هم‌زمینه حافظ، خواجه و سلمان
۴۴	بررسی و تحلیل غزل‌های هم‌زمینه حافظ و سلمان ساوجی
۱۰۲	تحلیل و بررسی غزل‌های هم‌زمینه حافظ و خواجه
	فصل سوم: سخن آخر
۱۶۰	نتیجه بررسی و تحلیل غزل‌های هم‌زمینه حافظ، سلمان و خواجه
۱۷۷	کتاب‌نامه

درآمد

درباره شعر حافظ همواره این مسئله مطرح بوده که علت محبوبیت شعر حافظ و راز ماندگاری آن چیست؟ مسلماً این امر در ساختار شعر حافظ هم از نظر لفظ و هم از نظر محتوا نهفته است. از همین رو، به نظر می‌رسد بتوان پاسخ این پرسش را در ویژگی‌ها و شاخص‌های سبکی شعر او دانست و در واقع تحلیل سبک‌شناختی شعر حافظ با این رویکرد، می‌تواند تا حدی کمک به این مسأله باشد. همچنین جهت نشان دادن برجستگی شعر حافظ نسبت به دیگر شاعران، لازم است به بررسی سبک‌شناختی غزل شاعران هم‌عصر وی که اشعاری هم‌زمینه (دارای وزن و قافیه و گاه مضمون یکسان) هستند، به صورت مقایسه‌ای و سطحی پرداخته شود.

چنان‌که می‌دانیم سبک در اصطلاح ادبی، به معنی گزینش آگاهانه یا ناخود آگاه از شکل‌ها و ساختارهای زبان است که نویسنده و یا شاعر برای انتقال پیام خویش از آن بهره می‌برد، اما این اصطلاح با توجه به مطالعات گسترده میان‌رشته‌ای ادبیات و زبان‌شناسی متحول گردیده است. چنان‌که وردانک آن را «تحلیل بیان زبانی متمایز و توصیف هدف از به‌کارگیری و تأثیر آن» دانسته است (۱۳۸۹: ۱۸). از همین رو، در حال حاضر مطالعات سبک‌شناختی در مورد روش‌هایی به کار می‌رود که با استفاده از مفاهیم زبان‌شناختی به مطالعه تحلیلی ادبیات می‌پردازد.

سبک‌شناسی آوایی که بر آوا و موسیقی حاصل از متن و تناسب آن با فحوای کلام تأکید می‌کند، یکی از رویکردهای سبک‌شناختی با استفاده از مفاهیم

زبان‌شناختی است. نظریه موسیقی موریس گرامون، زبان‌شناس فرانسوی که بر اساس فراوانی واج‌ها و نقش الفاکری و تداعی‌کنندگی مفاهیم مطرح شده است، می‌تواند برای شناخت سبک آوایی شاعر و یا نویسنده کارآمد باشد.

به نظر می‌رسد شعر حافظ که در هر دوره‌ای مورد توجه عوام و خواص بوده و همگان حتی فقط از خوانش آن لذت برده‌اند، ویژگی مهم «تناسب و هماهنگی آوا و مضمون» را دارا باشد. او اگرچه در استقبال از اشعار شاعران پیش از خود و یا هم‌روزگارش اشعاری سروده که البته کم هم نیستند، اما حلاوت و التذازی که در شعر اوست، در شعر آنان دیده نمی‌شود. سلمان ساوجی و خواجوی کرمانی دو شاعر هم‌روزگار حافظ هستند که حافظ به غزل آنان توجه داشته و اشعاری هم‌زمینه با غزل این دو سروده، اما با خوانش همین غزل‌های هم‌زمینه گویا غزل حافظ از لونی دیگر است. طراوت و جذابیتی که در همین اشعار هم‌زمینه حافظ دیده می‌شود، از اشعار این دو دریافت نمی‌شود. چنان‌که مرتضایی در این باره می‌نویسد:

«آنچه باعث شده شعر حافظ در اوجی دست نیافتنی بماند، استفاده هنرمندانه او از تمام ظرفیت زبان فارسی است. معانی و مضامین موجود در اشعار خواجه شیراز، قبل و بعد از او، در شعر شاعران دیگر نیز دیده می‌شود، اما این جنبه‌های مختلف زبان شعر حافظ است که علاوه بر استعداد ذاتی شاعر، ممارست‌ها، کسب تجربه‌ها و بررسی و تغییر و تصرف‌های مدام در آن‌ها، باعث شده از نهایت ظرافت و زیبایی برخوردار باشند، از نوع واج‌های کلمات گرفته تا انتخاب واژگانی که در بیت با یکدیگر تلاؤم و هارمونی دارند و کیفیت ساختار عبارات و تناسب و همراهی انواع موسیقی شعر با آن‌ها. برای پی بردن به راز برتری شعر حافظ، می‌بایست به بررسی و تحقیق دقیق و علمی درباره مسایل مربوط به زبان شعر او پرداخت» (۱۳۸۵).

با این توضیحات می‌توان گفت یکی از دلایل مجذوب‌کنندگی شعر حافظ، موسیقی آن است، بویژه زمانی که این موسیقی در خدمت محتوا باشد. چنان‌که پورنامداریان در اهمیت ارتباط موسیقی و عاطفه می‌نویسد:

«وقتی موسیقی شعر با عاطفه مطرح در شعر هماهنگ باشد، تأثیر مضاعف بر خواننده می‌گذارد. با در نظر گرفتن ارتباطی که عاطفه با صوت، صوت با موسیقی و عاطفه دارد، می‌توان گفت که اگر قدرت موسیقی را در بیان و انتقال عواطف، با قدرت کلام که وسیله بیان عواطف و اندیشه‌های ناشی از آن در شعر است همراه کنیم، به نتیجه‌ای مضاعف می‌رسیم» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۳۳۹).

از این رو، بررسی هماهنگی میان موسیقی و محتوا به عنوان یکی از اساسی‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل التذاذ ادبی در شعر حافظ و دو شاعر هم‌عصر وی هدف اصلی کتاب حاضر است. از سوی دیگر، همان‌طور که می‌دانیم قافیه و ردیف در انتقال احساس شاعر و مضمون مورد نظر وی در شعر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چنان‌که شفیعی کدکنی در اهمیت قافیه بر این باور است که:

«یکی از مهم‌ترین هنرهای قافیه در یک شعر، تأثیری است که در حفظ وحدت احساس و حالت هنرمند دارد. هنگامی که قافیه می‌آید خواننده با شنونده به یاد قرینه می‌افتد و از آن قرینه مطالبی را که با آن پیوستگی دارند، تداعی می‌کند و این تداعی باعث می‌شود که وحدت ذهنی و حالت کلی تأملات شاعر به خواننده نیز منتقل شود» (۱۳۶۸: ۷۹)

و درباره ردیف می‌نویسد:

«ردیف از چند جهت به شعر زیبایی و اهمیت می‌بخشد: از نظر موسیقی، از نظر معانی و کمک به تداعی‌های شاعر و از نظر ایجاد ترکیبات و مجازهای

بدیع در زبان. از نظر معانی و کمک به تداعی‌های شاعر، زمانی که کلمات قافیه با یک ردیف در اختیار شاعر باشد، اگر چه ردیف آزادی احساس و تخیل را از شاعر می‌گیرد، ولی می‌تواند قافیه را با آن ردیف در نظر بگیرد و مفهومی را به ذهن بیاورد» (همان: ۱۳۸-۱۴۲) با تلخیص).

با توجه به این که واج‌های قافیه و یا ردیف — در صورتی که غزل مردف باشد — پرتکرارترین واج‌های کل غزل را در خود دارند، در این پژوهش میزان تکرار هر یک از واج‌های قافیه و یا ردیف در تمام غزل در ارتباط و در تناسب با مضمون و محتوا بررسی و تحلیل می‌شود. نظریه موسیقی گرامون، زبان‌شناس فرانسوی مبنای این تحلیل قرار گرفته است.

در این پژوهش با بهره‌گیری از این نظریه به روش توصیفی تحلیلی و آماری برآنیم به این پرسش پاسخ دهیم که غزل‌های برگزیده هم‌زمینه حافظ و سلمان، و همچنین حافظ و خواجه از این منظر چه تفاوت‌هایی دارند. به عبارت بهتر، شعر حافظ چه ویژگی‌ها و شاخص‌هایی از نظر آوایی دارد که سبب امتیاز و برتری شعر او نسبت به دو شاعر هم‌عصر وی شده است؟

روش تحلیل نیز به این صورت است که ابتدا میزان کاربرد واج‌های قافیه و ردیف در هریک از غزل‌های هم‌زمینه حافظ و سلمان، همچنین در هرکدام از غزل‌های هم‌زمینه حافظ و خواجه بررسی مقایسه‌ای می‌شود، سپس تناسب آن‌ها با مضمون تحلیل می‌گردد و در نهایت نیز بررسی هماهنگی آوا و مضمون غزل‌های گزینش‌شده هریک از این شاعران با غزل حافظ به صورت مقایسه‌ای انجام می‌شود. در پایان نیز اشاره‌ای گذرا به تناسب وزن و محتوا بر اساس نظر شفیع کدکنی و وحیدیان کامیار در شعر این سه شاعر خواهیم داشت. به این صورت شاید بتوان در جهت شناخت بیشتر شعر حافظ در مقایسه با شعر دیگر شاعران معاصر وی که به اندازه حافظ شهرت نداشته‌اند، گامی مفید در پژوهش‌های ادبی برداشت.